

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام ۵

آداب سلام کردن

بسم الله الرحمن الرحيم

نخستین بار که خداوند دستور سلام دادن را داد، وقتی بود که به آدم عَلَيْهِ السَّلَام گفت که باید به فرشتگان سلام کند. در بخاری آمده است: هنگامیکه خداوند آدم را آفرید به او گفت: برو و به این فرشتگان سلام کن، و بین چه جوابی به تو خواهند داد، که این تحیت تو و ذریه تو است، سپس آدم سلام کرد و گفت: السلام عليكم، آنان همه در جواب گفتند: السلام عليك ورحمة الله عَلَيْهِ السَّلَام (بخاری (۳۳۲۶) و مسلم (۲۸۴۱) این روایت را نقل کرده‌اند).

و جمله ورحمة الله را اضافه کردند.

و نخستین بار که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد مدینه شد به یاران خود دستور داد که سلام کردن را میان مردم شایع کنند، و به آنان سلام دهند.

ابن ماجه از عایشه بطور مرفوع، روایت کرده است که: یهودیها به هیچ چیز شما به اندازه سلام و آمین گفتن حسادت نمی‌ورزند. (ابن ماجه (۸۵۶) این حدیث را تخریج نموده و آلبانی آنرا صحیح دانسته است).

سلام کردن مستحب است، ولی جواب دادن آن واجب، و اگر بر جمعی سلام کرده شود، اگر همه آنها جواب دادند که بهتر است، ولی اگر یکی از آنها هم جواب دهد کافی است و از بقیه ساقط می‌شود. (نگاه کنید به نووی شرح صحیح مسلم (۲۱۶۰)).

بهترین جمله برای سلام گفتن: «السلام عليكم ورحمة الله وبركاته» می‌باشد، به دلیل روایتی که ابوهریره روایت کرده که مردی بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گذر کرد که در جمعی نشسته بود و گفت: السلام عليكم پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: برایش (۱۰)

حسنه نوشته می‌شود. سپس مردی دیگر آمد و گفت: السلام عليكم ورحمة الله، ایشان فرمودند: (۲۰) حسنه نوشته می‌شود، سپس مردی دیگر آمد و گفت: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (۳۰) حسنه نوشته می‌شود. (ابوزکریا نووی گفته است: مستحب است که مبتدی بگوید: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، و آنرا با ضمیر جمع بگوید اگرچه طرف یک نفر هم باشد، و در جواب باید گفته شود: وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته. (الآداب الشرعية: ۳۵۹/۱). و (سنن ابوداود (۵۲۰۹) و آلبانی آنرا صحیح دانسته است). مکروه است سلام با (عليكم السلام) شروع شود، چون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «لا تقل عليك السلام، فإن عليك السلام تحية الموتى». یعنی: نگوئید: عليك السلام، چون این سلام مردگان است.

وقتی که جمع زیاد باشند مستحب است سه بار سلام کرد، و یا اگر مشکوک بود در اینکه سلام او را نشنیده باشند، چون پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی سلام می‌کرد، سه بار سلام می‌کرد. (مجموع این روایات و مفهوم این احادیث این را می‌رساند که دوباره سلام کردن مخصوص حالات خاصی است. نووی رحمته الله آورده است که اعاده سلام وقتی است که جمع زیاد باشند. (ریاض الصالحین، ص ۲۹۱)).

مستحب است بطور عام سلام کرد، یعنی چه طرف را بشناسید و یا نشناسید، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است اینکه فقط بر آشنا سلام کنند، از نشانه‌های آخرالزمان است. (بخاری (۶۲۴۴) این حدیث را روایت کرده است). همچنین روایتی که عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده است که مردی از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سؤال نمود که بهترین اسلام کدام است؟ فرمود: «تطعم الطعام، وتقرأ السلام على من عرفت وعلى من لم تعرف». (بخاری (۱۲) و مسلم (۳۹) این روایت را آورده‌اند). یعنی: اینکه

اطعام دهید، و سلام دهید مردم را خواه بشناسید و یا شناسید.

عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) وقتیکه به بازار می‌رفت، به هر کس می‌رسید سلام می‌کرد، طفیل بن اُبی کعب، به او گفت: در بازار چه کار می‌کنی شما کاری نداری؟ خرید و فروش نمی‌کنی، از هیچ کالایی نمی‌پرسید، و در مجالس بازار هم نمی‌نشینید؟ در جواب گفت: ای ابویطن - طفیل مردی شکمو بود - رفت و آمد ما بخاطر سلام دادن است! و به هر کس رسیدیم سلام می‌کنیم. (الآداب الشرعیه: ۳۹۶/۱)

مستحب است کسیکه وارد می‌شود ابتدا سلام کند، و دلیل آن داستان آن سه نفری است که پیش پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمدند و اولی گفت: السلام علیکم (بخاری این روایت را در ادب المفرد (۹۸۶) آورده و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.)

سنت است کسیکه سوار بر مرکب است بر پیاده سلام کند، و کسیکه راه می‌رود بر نشسته سلام کند، و جمع کم بر جمع زیاد سلام کنند، و شخص کم‌سن و سال بر بزرگان سلام کند، و اگر دو نفر که هر دو سوار بر مرکب باشند، و یا هر دو در حال حرکت باشند به هم رسیدند سنت است آن کسیکه کم‌سن و سالتر است سلام کند، و اگر مسن سلام کرد مأجور خواهد بود؛ بدلیل قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) که ابوهیره (رضی الله عنه) روایت کرده است: «یسلم الراكب على الماشي، والماشي على القاعد والقليل على الكثير» (بخاری (۶۲۳۲) و مسلم (۲۱۶۰) این حدیث را روایت کرده‌اند.) یعنی: سوار بر پیاده، و پیاده بر نشسته و جمع کم بر جمع زیاد سلام کنند.

و در روایتی دیگر که بخاری آورده است می‌فرماید: «یسلم الصغير على الكبير، والمار على القاعد، والقليل على الكثير» (بخاری (۶۲۳۱) این حدیث را روایت کرده است.) یعنی: کوچک بر بزرگ، پیاده بر نشسته، و جمع کم بر جمع زیاد سلام کنند.

اگر هنگام بهم رسیدن، هر دو سلام کردند، باید هر دو جواب سلام را بدهند. (شرح الهدایه.) (الآداب الشرعیه: ۴۰۱/۱)

شافعیه می‌گویند: سلام کردن مستحب است و اگر کسی را وکیل سلام قرار دادند، بر او واجب است سلام را برساند، چون او مأمور به ادای امانت است، وگرنه جواب سلام واجب نمی‌شد.

در صحیحین از عایشه (رضی الله عنها) نقل شده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او گفت: «یا عائشة هذا جبریل یقرأ علیک السلام» یعنی: ای عایشه این جبرئیل است که به تو سلام می‌دهد،

عایشه در جواب گفت: وعلیه السلام ورحمة الله . بخاری لفظ وبرکاته را اضافه کرده. و در شرح مسلم آمده که این روایت دلیل است بر اینکه سلام کردن مرد بیگانه به زن بیگانه که صالح باشد و خوف فساد نباشد، جایز است. (الآداب الشرعیه: ۳۹۳/۱)

جواب سلام کسیکه سلام فرستاده و کسیکه وکالت آنرا بعهده گرفته؛ مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: «إِنَّ أَبِي یقرئك السلام، فقال علیک وعلی أهلك السلام». (ابوداود (۵۲۳۱) این روایت را نقل کرده و آلبانی آنرا حسن دانسته است.)

یعنی: پدرم به شما سلام می‌کرد، پیامبر نیز در جواب

فرمود: بر شما و پدرت سلام باد. و ابوذر (رضی الله عنه) گفته است: چه هدیه‌ای زیبا و چه بار سبکی!

اهل علم اختلاف نظر دارند بر اینکه آیا سلام کردن به زن بیگانه جایز است یا خیر؟

شاید بتوان گفت، آنچه امام احمد (رحمته الله) آورده است، راجح است که می‌فرماید: زن اگر سالمند باشد اشکالی ندارد به او سلام کرد؛ ولی اگر جوان باشد اشکال دارد. (الآداب الشرعیه: ۳۵۲/۱)

مستحب است بر کودکان سلام کرد، بدلیل روایتی که انس (رضی الله عنه) روایت کرده که: او بر چند بچه گذر کرد و به آنها سلام نمود و گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله) این چنین می‌کرد. (بخاری (۶۲۴۷) این روایت را نقل کرده است.)

در جاییکه جمعی خواب و بیدار وجود داشته باشد، باید بر کسانیکه بیدار هستند سلام کرد، ولی باید صدایش را پائین بیاورد تا افراد خوابیده را بیدار نکند، بدلیل

حدیثی که مقداد بن اسود روایت نموده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگام شب می‌آمد و بگونه‌ای سلام می‌کرد که افراد خوابیده را بیدار نمی‌کرد، تنها به اندازه‌ای که افراد بیدار صدایش را بشنوند، صدا را بلند می‌کرد. (مسلم (۲۰۵۵) این روایت را نقل کرده است.)

نباید به اهل کتاب قبل از آنان سلام کرد، بدلیل این حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله) که می‌فرماید: «لا تبدؤوا اليهود والنصارى بالسلام، فإذا لقیتهم أحدهم في الطريق فاضطروه إلى أضيقه». (مسلم (۲۱۶۷) این روایت را نقل کرده است.)

یعنی: در سلام کردن به یهودیها و مسیحیها جلو نیافتید، و

اگر در راه به یکی از آنها رسیدید او را به تنگنا بیاندازید تا او سلام کند.

و اگر ناچار بودید که سلام کنید، غیر از سلام مشهور و معروف را بگوئید: مانند خسته نباشید و ... و اگر او سلام کرد، در جواب بگوئید: «وعلیکم». (مگر اینکه سلامش واضح و روشن باشد که در اینصورت جواب کامل را می‌دهد بدلیل عموم آیه قرآن که می‌فرماید: «وَإِذَا حِیتِم بِحِیَةِ فَحِیَا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّهَا» و بعد از آن اشکالی ندارد که از وضع و حال او و خانواده‌اش پرس‌وجو کنید. همانگونه که شیخ الاسلام ابن تیمیه نیز این را اجازه داده است.) اگر پرسیده شود پس چرا پیامبر ﷺ به کافران اینچنین سلام می‌کرد: «سلام علی من اتبع الهدی...؟» جواب این است که مفسرین گفته‌اند: در اینجا منظور سلام کردن نیست بلکه معنی آن سالم بودن در مقابل عذاب دوزخ می‌باشد، و به همین دلیل بعد از آن چنین آمده است: «إِنَّ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى...» حاصل جواب این است که پیامبر ﷺ عملاً در سلام کردن به کفار جلو نیافتاده است، اگرچه لفظ موجود آنرا ثابت می‌کند. (فتح الباری - ابن حجر - (۳۸۱).

جایز است بر جمعی که شامل مسلمان و مشرکین هستند سلام کرد، منتها باید نیت سلام کننده، مسلمانان باشد. (الآداب الشرعیة ۳۹۰/۱، الاذکار للنووی ۳۶۷).

نباید با اشاره سلام کرد، چون از آن نهی شده است، بدلیل حدیثی که جابر رضی الله عنه بطور مرفوع روایت کرده: «لَا تَسْلَمُوا تَسْلِیْمَ الْیَهُودِ فَإِنَّ تَسْلِیْمَهُمْ بِالرُّؤُوسِ وَالْأَكْفِ وَالْإِشَارَةِ». (فتح الباری (۱۶/۱۱)؛ ولی حدیثی که أسماء بنت یزید نقل می‌کند و می‌گوید: پیامبر ﷺ با دستهایش بر زنان سلام می‌کرد. ترمذی این روایت را آورده: (۲۶۹۷) و بخاری در الأدب المفرد (۱۰۰۳، ۱۰۴۷) آن را آورده، و آلبنی (رحمته الله) می‌گوید صحیح است. و نووی (رحمته الله) گفته است این روایت بر این حمل می‌شود که پیامبر ﷺ لفظ و اشاره را با هم آورده است. بدلیل روایت ابو داود (فلسم علیه). الاذکار: ص ۳۵۶. یعنی: همچون یهودیها سلام نکنید، زیرا آنان با سر، دست و اشاره سلام

می‌کنند.

سلام کردن بر نمازگزار جایز و جواب آن از طرف نمازگزار با اشاره جایز است. و این کار شیوه معینی ندارد زیرا پیامبر ﷺ یکبار با انگشت جواب داده است، و یکبار با اشاره‌ی دست، و یکبار با سر بوده است، ولی آنچه ثابت است جواب با کف دست است. (شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمته الله) در کتاب فتاوی خویش جلد (۲۲) چنین می‌گوید: اگر نمازگزاران بدانند جواب سلام را با اشاره بدهند، بر آنان سلام کرده می‌شود، و اگر آنرا ندانند، نباید سلام کرد، تا این کار باعث باطل شدن یک واجب بوسیله سنت نشود، چون ممکن است او با لفظ جواب دهد که نمازش باطل می‌گردد.) می‌توان بر کسیکه قرآن می‌خواند سلام کرد و جواب آن نیز واجب است.

نباید به کسیکه مشغول قضای حاجت است سلام کرد، بدلیل روایتی که ابن عمر (رضی الله عنهما) روایت کرده که: مردی بر پیامبر ﷺ - او در حال قضای حاجت بود - سلام کرد ولی پیامبر ﷺ به او جواب نداد. (مسلم (۳۷۰) این روایت را نقل کرده است.)

مستحب است وقتی که آدم وارد خانه می‌شود سلام کند، خواه در آن کسی باشد و یا نباشد. از ابن عمر (رضی الله عنهما) روایت شده که گفت: اگر به خانه‌ای غیر مسکون وارد شدید باید گفت: «السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین». (الادب المفرد (۱۰۵۵) و آلبنی آنرا حسن دانسته است.)

یعنی: سلام و درود بر ما و بندگان صالح باد. برای کسیکه وارد مسجد می‌شود، مستحب است ابتدا نماز تحیه المسجد را بخواند و بعد سلام کند، ابن القیم (رحمته الله) گفته است: از جمله هدایای پیامبر ﷺ این

است که، هر کس وارد مسجد شد ابتدا دو رکعت نماز تحیه المسجد را می‌خواند و سپس بر مردم سلام می‌کند، و به حدیث: «المسیء صلاته» استدلال نموده است. (زاد المعاد (۴۱۳/۲ - ۴۱۴).

برای کسیکه روز جمعه وارد مسجد می‌شود در حالیکه امام خطبه بخواند و صدای خطبه را بشنود، درست نیست که بر مردم سلام کند و واجب نیست جواب سلام او داده شود. اگر سلام کرد و با اشاره جواب او داده شود، درست است. (فتاوی اللجنة الدائمة (۲۴۳/۸).

و اگر بر کسیکه در پهلویش قرار دارد سلام نمود و با او مصافحه نمود - در اثنای خطبه - در اینصورت با او دست می‌دهد ولی سخنی نمی‌گوید، و بعد از اینکه خطیب خطبه اول را تمام کرد جواب او را می‌دهد. و اگر در اثنای خطبه دوم به او سلام کرد، بعد از تمام شدن خطبه باید به او جواب دهد. (فتاوی اللجنة الدائمة (۲۴۶/۸).

از ابن عمر (رضی الله عنهما) نقل شده که پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تَجِيبُوهُ» (طبرانی در کتاب: الاوسط و ابونعیم در کتاب: الحلیه، این حدیث را آورده‌اند، و آلبنی آنرا در سلسله صحیحه (۸۱۶) حسن دانسته است). یعنی: هر کس قبل از سلام کردن سخن گفت به او جواب ندهید.

و از لفظ ابن عدی چنین آمده: ابتدا سلام و بعد سؤال. پس هر کس قبل از سلام، سؤال نمود، به او جواب ندهید. و از جابر رضی الله عنه بطور مرفوع نقل شده است که: «لَا تَأْذَنُوا لِمَنْ لَمْ يَبْدَأْ بِالسَّلَامِ». (آلبنی آنرا در سلسله صحیحه، صحیح دانسته است. (۸۱۷).

یعنی: به کسیکه با سلام شروع نکند اجازه سخن گفتن

ندهید.

سنت است قبل از جدا شدن از مجلس، سلام نمود،
بدلیل این حدیث پیامبر ﷺ که می‌فرماید: «إذا انتهى أحدكم إلى المجلس فليسلم، فإذا أراد أن يقوم فليسلم، فليست الأولى بأحق من الآخرة». (ترمذی ۲۸۶۱) و بخاری در الادب المفرد (۱۰۰۸) این حدیث را روایت کرده‌اند و آلبانی گفته است حسن صحیح است.)

یعنی: هرگاه یکی از شما به مجلسی رفت باید سلام کند، و اگر خواست برخیزد، باید سلام کند، که سلام اولی از دومی برتر و مستحقر نیست.

باید دستها را برای مصافحه و دست زدن، کرم زد و آنرا خوشبو نمود، از ثابت بنانی روایت شده که انس هر روز صبح دستهایش را برای دست زدن با روغن خوشبو، چرب می‌کرد.

درباره دست زدن و مصافحه بعد از فرایض از شیخ الاسلام ابن تیمیه (رحمته الله) سؤال کردند فرمود: دست زدن بعد از نماز سنت نیست، بلکه بدعت است. و العز بن عبدالسلام گفته است: دست زدن بعد از نماز عصر و صبح بدعت است، مگر برای کسیکه از مسافرت آمده باشد، بلکه اگر بخواهد مصافحه کند باید قبل از نماز این کار را بکند، و مصافحه و دست زدن با کسیکه از مسافرت برگشته است مشروع است. و پیامبر ﷺ بعد از نماز اذکار و دعاهاى مشروع را می‌خواند و سه بار استغفار می‌نمود و سپس می‌رفت. (المحكم المتين في اختصار القول المبين في أخطأ المصلين، مشهور بن حسن آل سلمان في)

مواردیکه مخالف سنت می‌باشند: سلام نکردن هنگام

ملاقاتهای نزدیک بهم، و حدیث، «المسيء صلاته» دلیل است برای مشروعیت سلام کردن در این مواقع، اگرچه ملاقات قبلی نزدیک بوده باشد. امام نووی (رحمته الله) در کتاب رياض الصالحين، حدیث: المسیء صلاته را به باب تقسیم نموده و در آن آمده: باب: مستحب بودن تکرار سلام بر کسیکه ملاقات کردن با او در اوقات نزدیک بهم صورت گرفته باشد. بدینگونه که بیرون رفته باشد، سپس بلافاصله داخل آمده باشد، و یا چیزی میان آنان فاصله انداخته باشد مانند درخت و امثال آن.

تحیه‌ها و سلامهای شرعی وجود دارند مانند گفتن: مرحباً، ولی بهتر و افضلتر آن است که بدنبال سلام آورده شوند، چون به تنهایی جای سلام را نمی‌گیرند. و اما دلیل اینکه مرحباً یک تحیه شرعی است، روایتی است که ابن عباس (رضی الله عنهما) روایت کرده که: وقتیکه وفد عبدالقیس نزد پیامبر ﷺ آمدند، پیامبر ﷺ فرمود: «مرحباً بالوفد الذين جاءوا غیر خزايا ولا ندامی» یعنی: ای وفدی که بدون پشیمانی و سرافکنده‌گی آمده‌اید، خوش آمدید؛ آنان نیز گفتند: ای رسول خدا، ما طایفه‌ای از قبیله ربیعہ هستیم که میان ما و شما قبیله مضر قرار گرفته‌اند و نمی‌توانیم نزد شما بیائیم بجز در ماههای حرام، به ما چیزی را دستور بدهید که بوسیله آن داخل بهشت شویم و تا بوسیله آن افراد دیگر قبیله را هم دعوت کنیم. (صحیح بخاری ۵۷۰۸).

و در حدیث صحیح آمده که فرمود: «إذا أتى الرجل القوم فقالوا مرحباً فمرحبا به يوم يلقى ربه». (السلسلة الصحیحه ۱۱۸۹). یعنی: هرگاه کسی نزد قومی آمد و گفت: مرحباً، در روزیکه با پروردگارش ملاقات خواهد نمود به

او خوش آمدگویی خواهند گفت.

از جمله مواردیکه بعنوان خوش آمدگویی عملی بحساب می‌آیند: مصافحه، معانقه و همدیگر بوسیدن است.

اما مصافحه؛ در حدیث صحیحی که انس روایت کرده و می‌گوید: هنگامیکه اهل یمن پیش رسول الله آمدند، پیامبر ﷺ فرمود: اهل یمن پیش شما آمده‌اند و آنها نخستین کسانی بودند که مصافحه کردند. (ابوداود ۵۲۱۳) این روایت را نقل کرده است.)

ابوداود (رحمته الله) و غیره روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: هرگاه دو مسلمان بهم برسند و مصافحه کنند، از همدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه خداوند هر دو را بیامرزد. (ابوداود ۵۲۱۲) این روایت را نقل کرده و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.)

و انس (رضی الله عنه) روایت کرده است که مردی گفت: ای رسول خدا یکی از ما اگر به دوستش رسید آیا می‌توان در برابر او خم شد؟ آن مرد گفت: که پیامبر در جواب فرمود: خیر، آن مرد گفت او را در آغوش گیرد و او را ببوسد؟ فرمود: خیر. گفت: با او دست بزند؟ فرمود: بله اگر دوست داشت. (ترمذی ۲۷۲۸) این حدیث را روایت نموده و آلبانی آنرا در سلسله صحیحه (۱۶۰) تخریج نموده است (۱/۲۴۸).

همچنین مستحب است هنگام مصافحه دست را پس نکشید تا اینکه دیگری آن کار را بکند، بدلیل روایتی که انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت کرده و گفته است: هرگاه کسی با پیامبر ﷺ روبرو می‌شد و با او دست می‌داد، پیامبر ﷺ دستش را پس نمی‌کشید تا او دست را عقب می‌آورد. (ترمذی ۲۴۹۰) این روایت را نقل کرده و آلبانی آنرا با مجموع طرق صحیح

دانسته است. السلسله الصحيحه (۲۴۸۵)، (۶۳۵/۵).

اما معانقه: گفته‌اند این خاص سفر است، و برخی از اهل علم گفته‌اند: معانقه در غیر سفر هم جایز است اگر مدت غیبت زیاد طولانی شده باشد، و یا اینکه زائر دارای وجاهت و مقامی باشد که این را بطلبد، و برای این استدلال کرده‌اند به روایتی که ترمذی (رحمته) در شمایل و غیره روایت کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منزل ابوالتیهان یکی از اصحاب آمد، و وقتی که دید پیامبر (صلی الله علیه و آله) به خانه او آمده با او معانقه نمود در حالیکه خانه او در مدینه بود. (ترمذی (۲۲۹۲)).

و اما همدیگر را بوسیدن: اهل علم گفته‌اند باید سر همدیگر را بوسند، و اما بوسیدن دست برخی از علما آنرا مکروه دانسته‌اند. شیخ الاسلام (رحمته) از برخی از فقها نقل کرده است که آنان بوسیدن دست را سجده صغری می‌نامیدند؛ ولی بوسیدن صورت و لب را ممنوع دانسته‌اند و مخصوصاً اگر این کار منجر به تحریک شهوت گردد، تحریم آن مؤکد خواهد بود. پس آنچه مشروع خواهد بود بوسیدن سر است.

برخی از علما بوسیدن دست افراد فاضل و بزرگوار را جایز دانسته‌اند اگر بخاطر متدین بودن آنها باشد، و بوسیدن دست غیر از اینها مکروه است؛ و نباید دست افراد جوانان بی‌مو و کوسه را بوسید خصوصاً اگر منظر زیبا داشته باشد.

در حاشیه فتاوی امام نووی چنین آمده: اگر خواست دست کسی را بوسد، اگر این کار بخاطر زهد و تقوا و صالح بودن شخص باشد، و یا بخاطر علم و شرف و

مکانت دینی او و امثال این امور باشد، نه اینکه مکروه نیست، بلکه مستحب هم می‌باشد، چون ابو عبیده (رضی الله عنه) دست عمر (رضی الله عنه) را بوسید.

ولی اگر بخاطر ثروت و منزلت دنیوی دست او را بوسد چنین چیزی شدیداً مکروه می‌باشد. (آلبانی (رحمته) در سلسله الصحيحه (۲۵۱/۱) گفته است: بوسیدن دست عالم به سه شرط جایز است: الف: بشرطیکه این کار عادت نشود که علما دست خویش را جلو بیاندازند تا دستش را بوسند.

ب: این کار باعث متکبر شدن عالم نشود که بر دیگران تکبر نمایند. ج: این کار باعث تعطیل گشتن سنت مصافحه نگردد. و در فتاوی شیخ ابن حمید (رحمته) آمده است که: نبایستی کسی لبهای مادرش و یا دخترش را بوسد؛ همچنین نباید برادر بزرگتر لب خواهرش، عمه‌اش، خاله‌اش و یا یکی از محارم نزدیکش را بوسد، چون بوسیدن لبها خاص همسر می‌باشد).

نه در عهد و دوران پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نه در دوران خلفای راشدین چنین عادت نبوده که برای کسی بلند شوند، آنطور که عادت بسیاری از مردم این دوره می‌باشد، بلکه انس بن مالک (رضی الله عنه) گفته است: کسی به اندازه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت نزدشان محبوبتر وجود نداشت، با این وجود وقتی او را می‌دیدند که تشریف می‌آورد، کسی از جایش بلند

نمی‌شد، چون می‌دانستند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) این کار را دوست ندارد. (بخاری این روایت را در الادب المفرد (۹۴۶) با اختلاف کمی در الفاظ روایت کرده است و آلبانی آنرا صحیح دانسته است. (ولی بعضی اوقات بخاطر کسیکه از سفر برمی‌گشت به پیشوازش می‌رفتیم همانطور که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) روایت شده که بخاطر عکرمه بلند شده است. و هنگامیکه سعد بن معاذ برای حکمیت درباره بنی قریظه رفته بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به انصار گفت: به احترام سرورتان بلند شوید. (بخاری

(۶۲۶۲) این روایت را نقل کرده است).

و اگر عادت مردم این باشد که با بلند شدن به مهمان و یا به مسافر احترام بگذارند، و در این حال با چنین مردمی چنین رفتار نکرد، فکر می‌کنند که حق آنان را پایمال کرده‌ای، و این در حالی باشد که آنان عادت را که موافق سنت می‌باشد ندانند، در اینصورت بهتر آن است که برای احترام بلند شد، چون این برای اصلاح بین مردم و برداشتن حقد و کینه بهتر است؛ ولی اگر کسیکه عادت سنت را بدانند، ترک عادت آنان باعث ناراحتی و اذیت آنان نمی‌شود. (مجموع الفتاوی (۳۷۴/۱-۳۷۵)). و (ابن حجر (رحمته) گفته است هرگاه ترک قیام باعث بی‌احترامی و یا مفسده‌ای را بدنبال داشته باشد، ممتنع است و نباید آنرا ترک کرد؛ و ابن عبدالسلام نیز همین را گفته است. (فتح الباری (۵۶/۱)).

اهل علم گفته‌اند قیام کردن سه قسم است: ۱- بلند شدن برای مرد، این اشکالی ندارد. چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) هنگامیکه سعد بن معاذ از جلسه تحکیم با بنی قریظه برگشت فرمود: «قوموا الی سیدکم». بخاری (۴۱۲۱) و مسلم (۱۷۶۸). ۲- برخاستن برای مرد، خصوصاً اگر این رفتار، عادت مردم باشد، و کسیکه از راه رسیده فکر کند که بلند نشدن بی‌احترامی است برای او، اگرچه بهتر آن است این کار را نکرد و خلاف سنت است، ولی اگر مردم به آن عادت داشته باشند اشکالی ندارد.

۳- ایستادن پشت سر کسی: مانند اینکه مردی نشسته باشد و کسی پشت سر او بخاطر تعظیم او ایستاده باشد، از این کار نهی شده است، و پیامبر ص فرموده است: همچون عجمها قیام نکنید که آنان برای همدیگر تعظیم می‌کنند. این حدیث را ابوداود (۵۲۲۰) نقل کرده و آلبانی آنرا ضعیف دانسته است: (السلسله الضعیفه (۳۴۶) شرح ریاض الصالحین لابن عثیمین: (۲۶۰/۱)). ولی قیامی که برای مصلحت و یا برای فایده‌ای باشد، مانند قیام معقل بن یسار که شاخه درخت را از بالای سر پیامبر ص بلند کرده بود هنگام بیعت شجره. (روایت مسلم). و یا قیام ابوبکر صدیق (رضی الله عنه) بر سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای اینکه برایش سایه درست کند. (روایت بخاری)، این گونه موارد مستحب هستند) مستحب است کسیکه بخاطر مانعی نتوانسته باشد

جواب سلام را بدهد، بعد از سلام‌کننده معذرت بخواهد. جابر رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله او را برای کاری فرستاده بود، او می‌گوید سپس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدم و سلام کردم، ولی جوابم را نداد، در این حال چیزی به دلم افتاد که خدا به آن آگاه‌تر است، در دل خود گفتم: شاید دانسته است که تنبلی کرده‌ام، و دوباره سلام کردم، ولی باز هم جوابم را نداد، باز پیش از بار اول چیزهایی به قلبم افتاد؛ برای بار سوم سلام کردم و جواب سلامم را داد و گفت: بدین دلیل جواب سلامت را نمی‌دادم چون می‌داشتم نماز می‌خواندم، و او سوار بر مرکبش و رو به غیر قبله هم بود. (الآداب الشرعیه، (۴۰۰/۱)).

برای کسانی که کر و لال هستند و نمی‌شنوند باید هم لفظ و هم با اشاره سلام نمود. (الآداب الشرعیه، (۴۰۲/۱)). سلام کردن بر اهل قبور مشروع است.

بخاری رحمته الله در «الآداب المفرد» گفته است: باب جواب نامه، از ابن عباس روایت شده که گفت: من گمان می‌کنم که جواب دادن نامه همچون جواب سلام حق است. (الآداب المفرد (۱۱۱۷) و سندش حسن است.)